

چالش‌های آموزش اخلاق اسلامی به دانش‌آموزان در دوره ابتدایی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۰۸

امین باقری کراچی^۲

کوروش زارع شبانی^۳

پگاه ضیایی نژاد^۴

DOI: 10.30497/esi.2024.245335.1690



چکیده

این تحقیق با هدف شناسایی چالش‌های آموزش اخلاق اسلامی به دانش‌آموزان در دوره ابتدایی انجام شد. رویکرد این پژوهش کیفی و روش مورد استفاده تحلیل مضمون بود. مشارکت‌کنندگان بالقوه این پژوهش، همه معلمان و مربیان پرورشی دوره ابتدایی بودند که از بین آنها ۱۰ نفر به روش نمونه‌گیری هدفمند از نوع معیار، در نقش مشارکت‌کننده انتخاب شدند. ابزار پژوهش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بود. ابتدا پرسش کلیدی «چالش‌های آموزش اخلاق اسلامی به دانش‌آموزان در دوره ابتدایی کدامند؟» مطرح شد و سپس برحسب پاسخ‌های دریافتی، پرسش‌های بعدی نیز پرسیده شد. در این تحقیق، ۴ مضمون فراگیر و ۱۴ مضمون سازمان‌دهنده در مورد چالش‌های آموزش اخلاق اسلامی به دانش‌آموزان دوره ابتدایی، شناسایی شد. بر مبنای این مضامین، می‌توان به این نتیجه دست یافت که وضعیت موجود آموزش اخلاق به دانش‌آموزان دوره ابتدایی از ۴ منظر «محتوای آموزش اخلاق»، «دانش آموزش محتوای اخلاقی»، «فضای فیزیکی و جو عاطفی مدرسه» و «عدم هماهنگی و دوگانگی بین عناصر مختلف در آموزش اخلاق» آسیب و چالش دارند. شناسایی این چالش‌ها می‌تواند به برنامه‌ریزان آموزش و پرورش در برطرف کردن چالش‌ها و موانع آموزش اخلاق اسلامی کمک کند.

واژگان کلیدی: آموزش اخلاق، چالش‌های آموزش اخلاق، دانش‌آموزان، دوره ابتدایی.

۱. مقاله حاضر برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «چالش‌های آموزش اخلاق به دانش‌آموزان در دوره ابتدایی» دانشگاه فرهنگیان است.

۲. استادیار گروه آموزش علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

bagherikerachi@cfu.ac.ir

۳. استادیار، گروه آموزش معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران، lzare@chmail.ir

۴. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد گروه آموزش علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

pegahziaee1395@gmail.com

بیان مسئله

اخلاق جمع واژه خُلق است و وجود یک صفت یا خلق و خو در فرد سبب رفتارهایی متناسب با آن صفت، بدون هیچ احساس سختی و بی‌هیچ تفکر و تأمل جدی، می‌شود؛ اگر انسان به صفتهای اخلاقی پسندیده آراسته شود، سلامت روح او محقق می‌شود و برعکس بر اثر صفتهای اخلاقی ناپسند، روح انسان بیمار می‌شود. سلامت روح انسان سبب آرامش در زندگی فردی و نشاط و شادابی در زندگی اجتماعی می‌شود و خوب را از بد و حق را از ناحق تمیز می‌دهد. یکی از اهداف اساسی بعثت پیامبران نیز تکمیل اخلاق انسان است. پیامبر اسلام (ص) نیز در حدیث «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ»، هدف از بعثت خویش را تکمیل فضایل اخلاقی بیان کرده است. در این حدیث آمده است: «من از - آن جهت برانگیخته شدم که شرافتهای اخلاقی را کامل کنم». پیامبر اسلام (ص) در این حدیث، اخلاق را از مسائل مهم دین اسلام دانسته و تکمیل و تعلیم مکارم اخلاقی را از اهداف اصلی بعثت شمرده‌اند. بسیاری از رفتارهای انسان در اصول و رفتارهای اخلاقی ریشه دارند و از آن اثر می‌پذیرند (سبزیان و گراوند، ۱۴۰۱، ص ۴۹). تربیت و آموزش اخلاقی، عامل شکوفایی استعدادهای علمی و عملی اخلاق است و پرورش شخصیتی آراسته به فضایل اخلاقی را مدنظر دارد. تربیت اخلاقی نه تنها برای سعادت اخروی انسان ضروری است، بلکه زندگی دنیایی را نیز سامان می‌دهد (وجدانی، ایمانی و صادق‌زاده قمصری، ۱۳۹۲، ص ۱۳۰). آموزش مباحث اخلاقی از آن جهت واجد اهمیت است که می‌تواند باعث رشد اخلاقی شود و امکان دستیابی به راه‌حل مناسب هنگام بروز مشکلات اخلاقی را تسهیل کند (خلج‌زاده، ۱۳۹۴، ص ۳۳). تربیت اخلاقی یک وظیفه مشترک و همگانی جامعه از سوی گروه و نهادهای مختلف، مورد پیگیری قرار می‌گیرد (Arthur and etal, 2017). عمومی بودن این وظیفه و درعین حال اولویت قراردادن این حوزه محتوایی در اکثر نظام‌های آموزشی در سطح دنیا نشان از اهمیت بالای این بُعد از یادگیری مدرسه‌ای دارد (Jansson, 2016). در واقع این تأکیدات بر تربیت اخلاقی به‌عنوان یک پدیده تاریخی در همه ادوار تعلیم و تربیت، چه در نگاه سستی و چه در نگاه مدرن، وجود داشته است؛ جز در مدت‌زمان کوتاهی در قرون وسطی که تربیت اخلاقی در مقام ساحت تربیتی مورد بی‌مهری قرار گرفت (Celement and Bollinger, 2016, 174)، در سایر

چالش‌های آموزش اخلاق اسلامی به دانش‌آموزان ... / امین باقری کراچی و دیگران ۶۹

ادوار تاریخ آموزش و پرورش در حیطه محتوایی یادگیری در مدرسه حضور پررنگی داشته است (Curren, 2016, 490). تربیت اخلاقی یکی از اهداف اصلی و پایدار در نظام آموزشی در سطح دنیا بوده است (Sandeep, 2015, 18). آموزش اخلاق مسئولیتی سنگین و مهم بر دوش نظام‌های آموزشی جهان محسوب می‌شود (Jansson, 2016) و مدارس نمی‌توانند در برابر موضوع آموزش اخلاق ساکت باشند (حسنی، ۱۳۹۵، ص ۱).

مدرسه، یکی از شکل‌های مداخلات تربیتی، در تاریخ بشر، سابقه‌ای طولانی دارد. مدرسه امروزی و مدرن، به‌ویژه ابتدایی، مدرسه‌ای است که برای دوران حساس حیات بالنده انسان، یعنی دوران کودکی، طراحی شده است. اگر بپذیریم یکی از شئون مهم و ارزشمند حیات انسان، شأن اخلاق اوست، مدرسه، براین مبنا، یکی از زمینه‌هایی است که ناگزیر باید به توسعه و تعالی اخلاقی کودکان توجه زیادی کند؛ چراکه دوره کودکی مهم‌ترین بخش زندگی است و تربیت کودک در این سن نقش پررنگی در بزرگسالی او دارد (حسنی، ۱۳۹۵). به‌نظر می‌رسد، به‌رغم تلاش‌ها و کوشش‌ها در جهت آموزش اخلاق به کودکان در مدارس، بی‌توجهی به ارزش‌های اخلاقی و کم‌رنگ شدن آن در تربیت نسل جدید به چشم می‌خورد (امیدی و فضل‌الهی قمشی، ۱۳۹۴، ص ۴۰). یکی از دلایل بی‌توجهی نسل جدید به ارزش‌های اخلاقی را می‌توان در شیوه‌های آموزش اخلاق به کودکان جستجو کرد. کارآمدی روش‌های آموزش اخلاق و تناسب آن با ویژگی‌های دوران کودکی، نقش بسزایی در ارتقای اخلاقی کودک دارد. به‌نظر می‌رسد، مدارس در زمینه آموزش اخلاق به کودکان در دوره ابتدایی با چالش‌هایی روبرو هستند که شناسایی این چالش‌ها می‌تواند به ارائه راهکارهایی برای بهتر شدن آموزش اخلاق به کودکان در مدارس ابتدایی کمک کند؛ بنابراین مسئله اصلی این تحقیق این است که چالش‌های آموزش اخلاق به کودکان در دوره ابتدایی چیست؟

در زمینه چالش‌های آموزش اخلاق، تحقیقاتی انجام شده است. شریفی زارچی و خلعتی (۱۳۹۶) در تحقیق خود، متناسب نبودن سطح آموزش اخلاق با سطح عملکرد اخلاقی را یکی از برجسته‌ترین چالش‌های آموزش اخلاق می‌دانند و برای برون‌رفت از این آسیب، هماهنگ کردن مراکز آموزشی، فضا سازی اجتماعی، استفاده از روش‌های فعال، توجه به شرایط زمانی و مکانی متری و به‌کارگیری فناوری‌های نوین را پیشنهاد داده‌اند.

قیومی بیدهندی و اعتماداهری (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان عوامل مؤثر بر آموزش اخلاق در مدارس، نشان دادند که چهار بُعد آموزشی، اجتماعی، محیطی و اعتقادی ابعاد تأثیرگذار بر آموزش اخلاق هستند؛ همچنین ۱۵ مؤلفه معلم، برنامه درسی، فضای کلاس درس، مدیریت مدرسه، ارزش‌های گروهی، همدلی، اعتماد اجتماعی، احترام به یکدیگر، جو اخلاقی، تشویق و تنبیه، سطح سواد و درآمد والدین، پایگاه اقتصادی- اجتماعی فرد، پایبندی به ارزش‌های دینی، باورهای مذهبی و عفاف مؤلفه‌های تأثیرگذار بر ارتقای آموزش اخلاق شناسایی شدند. علی‌رغم تحقیقات انجام‌شده در این زمینه، موضوع آموزش اخلاق آن‌قدر مهم و بااهمیت است که هراندازه تحقیق در این زمینه انجام شود، همچنان به مطالعات بیشتری نیاز است؛ چراکه در این عصر، نیاز انسان به رعایت ارزش‌های اخلاقی از هرزمان دیگری بیشتر است. از طرف دیگر، تحقیق جامع و عمیقی که به موضوع چالش‌های آموزش اخلاق اسلامی به دانش‌آموزان دوره ابتدایی، از دیدگاه معلمان، بپردازد، در ایران انجام نشده است و تحقیقاتی که در این زمینه انجام شده بیشتر علمی مروری و کتابخانه‌ای است؛ از این رو، این تحقیق با هدف شناسایی چالش‌های آموزش اخلاق اسلامی به دانش‌آموزان در دوره ابتدایی و به روش کیفی انجام شد.

روش پژوهش

رویکرد این پژوهش کیفی و روش مورد استفاده، تحلیل مضمون بود. مشارکت‌کنندگان بالقوه این پژوهش، همه، معلمان و مربیان پرورشی دوره ابتدایی بودند که از بین آنها ۱۰ نفر (۵ زن و ۵ مرد) به روش نمونه‌گیری هدفمند از نوع معیار، برای نمونه (مشارکت‌کنندگان) انتخاب شدند. معیار ورود به مطالعه برخوردار بودن از تجربه کافی و عمیق از موضوع مورد پژوهش (داشتن حداقل ۵ سال سابقه تدریس در دوره ابتدایی و ۲ سال سابقه کار با عنوان مربی پرورشی) بود. فرایند گزینش نمونه‌ها و جمع‌آوری داده‌ها (اتمام نمونه‌گیری) تا اشباع نظری داده‌ها ادامه یافت. ابزار پژوهش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بود. همه مصاحبه‌ها به صورت حضوری در فاصله زمانی فروردین تا مرداد ۱۴۰۲ انجام شد. هر مصاحبه بین ۳۰ تا ۴۵ دقیقه به طول انجامید. پژوهشگر در ابتدای مصاحبه، ضمن معرفی خود، به بیان اهداف مطالعه می‌پرداخت. پرسش‌های مصاحبه پیرامون چالش‌های آموزش اخلاق اسلامی به دانش‌آموزان در دوره ابتدایی بود. نخست، پرسش کلیدی «چالش‌های آموزش اخلاق

چالش‌های آموزش اخلاق اسلامی به دانش‌آموزان ... / امین باقری کراچی و دیگران ۷۱

اسلامی به دانش‌آموزان در دوره ابتدایی کدامند؟» مطرح شد و سپس برحسب پاسخ‌های دریافتی، پرسش‌های بعدی نیز پرسیده شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها به روش تحلیل مضمون و طبق مراحل زیر انجام شد:

در مرحله اول، متن مصاحبه، به صورت سطر به سطر، تحلیل و مضامین پایه شناسایی شد. در مرحله دوم، مضامین پایه استخراج شده با توجه به تشابهات معنایی و مفهومی در قالب مضامین سازمان‌دهنده، طبقه‌بندی گردید. بعد از رفت و برگشت مکرر بین داده‌ها، مضامین پایه و مضامین سازمان‌دهنده، مشخص شد که مضامین سازمان‌دهنده تشابهات معنایی و مفهومی دارند؛ بنابراین مجدداً مضامین سازمان‌دهنده به سطح انتزاعی بالاتر ارتقا داده شد و مضامین فراگیر استخراج شد. برای سنجش اعتبار پژوهش، از چهار ابزار قابل-قبول بودن (ارائه یافته‌ها به مصاحبه‌شوندگان و بحث در مورد آن‌ها)، انتقال‌پذیری (دادن اطلاعات کافی به خواننده و تشریح مراحل یافتن داده‌ها برای درک موضوع)، قابلیت اطمینان (ضبط و یادداشت‌برداری در حین مصاحبه)، تأییدپذیری (مقایسه دائمی داده‌ها و یافته‌ها و هم‌چنین گرفتن تأیید و انجام اصلاحات بعد از هر مرحله کدگذاری) و پایایی (گرفتن تأیید و انجام اصلاحات بعد از هر مرحله کدگذاری و آزمون مدل در پایان کار با-استفاده از افراد جدید) استفاده شد. جهت رعایت اخلاق پژوهش، قبل از ورود مشارکت‌کنندگان به پژوهش، از آنان برای شرکت در پژوهش و ضبط صدا، رضایت گرفته شد و درباره اهداف مطالعه، علت ضبط مصاحبه، پنهان ماندن هویت و حق خروج از پژوهش بحث و بررسی شد.

یافته‌های پژوهش

در این پژوهش، «چالش‌های آموزش اخلاق اسلامی به دانش‌آموزان در دوره ابتدایی کدامند؟» پرسش کلی پژوهش بود. برای تجزیه و تحلیل داده‌های مربوط به این پرسش، نخست، متن مصاحبه‌ها به صورت سطر به سطر کدگذاری و مضامین پایه استخراج گردید؛ در مرحله دوم مضامین پایه استخراج شده با توجه به تشابهات معنایی و مفهومی در قالب ۱۴ مضمون سازمان‌دهنده، طبقه‌بندی گردید. بعد از رفت و برگشت مکرر بین داده‌ها، مضامین پایه و مضامین سازمان‌دهنده مشخص شد که ۱۴ مضمون سازمان‌دهنده دارای تشابهات معنایی و مفهومی هستند؛ بنابراین مجدداً مضامین سازمان‌دهنده به سطح انتزاعی بالاتر ارتقا

داده شد و این مضامین در قالب ۴ مضمون فراگیر طبقه‌بندی شد (جدول ۱) که این مضامین فراگیر عبارتند از: چالش‌ها در زمینه محتوای آموزش اخلاق، چالش‌ها در زمینه دانش آموزش محتوای اخلاقی، چالش‌ها در زمینه فضای فیزیکی و جو عاطفی مدرسه، چالش‌ها در زمینه عدم هماهنگی و دوگانگی بین عناصر مختلف در آموزش اخلاق.

جدول ۱. مضامین فراگیر، سازمان‌دهنده و پایه

مضامین فراگیر (ابعاد)	مضامین سازمان‌دهنده (ملاک‌ها)	مضامین پایه (نشانه‌ها)
چالش‌ها در زمینه محتوای آموزش اخلاق	تأکید بر سطوح پایین حیطه شناختی	محتوای آموزش حافظه‌محور؛ محتوای موضوع‌محور؛ محتوای معلم‌محور؛ تأکید بر سطوح پایین درحیطه شناختی؛ عدم توجه به استدلال و اندیشیدن؛ تکالیف حافظه‌محور؛ تأکید بر کتاب‌های درسی؛ توجه کم بر سایر منابع محتوایی؛ محتوای دانش‌افزا؛ محتوای با موضوعات مجزا؛ حجم زیاد دروس و محتوا؛ توجه کم به خودیادگیری؛ کم‌پرداختن به مسائل اخلاقی در کتب درسی؛ بیشتر پرداختن به آموزش علم در کتب درسی؛ محتوای سنگین کتاب‌های درسی؛ اشاره کلی و عمیق نبودن به بحث اخلاقیات در کتاب‌ها؛ یادگیری کلی و روخوانی دانش‌آموزان؛ عدم فعالیت‌های مناسب، کاربردی و عملی نبودن در کتاب‌ها؛ عدم ارتباط خوب و درونی شدن اخلاقیات در دانش‌آموزان؛ نابرابری در توزیع محتوای علمی و اخلاقی در کتاب‌های درسی؛ عدم تشویق دانش‌آموزان به ابراز عقیده در مورد مسائل اخلاقی.
توجه کم به حیطه عاطفی و عملکردی		توجه کمتر به حیطه عاطفی؛ در نظر گرفتن علایق دانش‌آموزان؛ در نظر گرفتن شرایط دانش‌آموزان؛ در نظر گرفتن رغبت دانش‌آموزان؛ عدم توجه به بازی در تکالیف و متن درسی؛ عدم توجه به تفاوت‌های فردی؛ محتوای غیرعملیاتی و غیرعملکردی؛ پیچیدگی محتوا؛ دشواری محتوا؛ عدم آسان‌سازی محتوا؛ تناسب محتوا با رشد عقلی و فکری دانش‌آموزان؛ توجه به مسایل و نیازهای جامعه؛ توجه کم به نیازهای و شبهه‌های کودکان؛ عدم مسئله‌محوری و توجه کم به نیازهای دانش‌آموزان و جامعه؛ تناسب با تجربیات زندگی واقعی دانش‌آموزان؛ توجه کم به یادگیری مبتنی بر حل مسئله زندگی اجتماعی؛ توجه کم به یادگیری به وسیله عمل؛ عدم مطابقت مباحث اخلاقی با سن دانش‌آموزان؛ عدم توجه به سطح فکری دانش‌آموزان؛ عدم رک بودن یا تجزیه و تحلیل برخی مسائل؛ عدم توجه به شرایط اقلیمی و

چالش‌های آموزش اخلاق اسلامی به دانش‌آموزان ... / امین باقری کراچی و دیگران ۷۳

<p>فرهنگی در هر منطقه و استان در محتوا؛ عدم قابل درک بودن بعضی از مسائل اخلاقی برای بچه‌ها؛ نیاز به ملموس تر بودن مسائل اخلاقی در دوره ابتدایی؛ نیاز به تطبیق مسائل اخلاقی با زندگی روزمره؛ عدم تطابق روش‌های آرایه محتوای اخلاق با علاقه‌مندی دانش‌آموزان.</p>	
<p>کلاس‌های پرجمعیت و شلوغ؛ دانش‌آموزان منفعل؛ دانش‌آموزان آماده‌خور؛ کلاس‌های خشک و یک‌طرفه؛ معلم محوری؛ معلم همه‌کاره کلاس؛ شتاب برای پایان درس‌ها؛ کلاس عاری از پرسش، بحث و تأمل؛ مسئولیت یادگیری به دوش معلم؛ تشویق کم دانش‌آموزان به پذیرش مسئولیت یادگیری؛ کلاس عاری از بحث و گفتگو؛ کلاس عاری از نقد و کار گروهی؛ نقش کم یادگیری؛ طراوت و اشتیاق کم در کلاس؛ شادابی کم کلاس؛ عدم وجود یادگیری عمیق؛ انگیزه کم دانش‌آموزان؛ عدم توجه به پرسش تک‌تک دانش‌آموزان؛ کم شدن انگیزه معلمان؛ آموزش سطحی و غیرعمیق؛ ساکت نشان دادن کودکان؛ عدم اجازه بحث؛ عدم آمادگی و پذیرایی دانش‌آموزان؛ سطح سواد معلم در مورد مبحث اخلاقی؛ علاقه و توجه کم دانش‌آموزان به مسائل اخلاقی.</p>	<p>معلم محوری و انفعال دانش‌آموزان چالش‌ها در زمینه دانش‌آموز محتوا</p>
<p>استفاده از روش تدریس سخنرانی؛ استفاده از روش‌های تدریس غیرفعال؛ استفاده کم از روش‌های تدریس نوین؛ استفاده کم از روش‌های تدریس یادگیرنده‌محور؛ استفاده کم از روش‌های تدریس پژوهش‌محور؛ استفاده کم از روش‌های تدریس مسئله‌محور؛ استفاده کم از روش‌های تدریس پروژه‌محور و فعالیت‌محور؛ عدم همراهی عمل و دانش در روش‌های تدریس؛ استفاده کم از روش‌های تدریس اکتشافی؛ استفاده کم از روش‌های تدریس مبتنی بر بحث و گفتگو و پرسش و پاسخ؛ استفاده کم از روش‌های تدریس مشارکتی و گروه‌محور؛ عدم استفاده از روش تدریس معکوس؛ عدم تسلط معلمان بر روش‌های نوین تدریس؛ به روز نبودن معلم در بحث روش‌های تدریس؛ نداشتن آگاهی و دانش برخورد با کودکان سنین ابتدایی؛ نیاز به روش‌های تدریس جدید و جذاب؛ عدم فعالیت دانش‌آموز؛ خستگی و جذاب نبودن روش ارائه مباحث؛ عدم یادگیری یا فراموشی مباحث و عدم تکرار و مطالعه دانش‌آموز؛ نیاز به روش‌های تدریس جدید و خلاقانه؛ عدم آموزش مناسب برای استفاده از روش تدریس خلاقانه؛ عدم آموزش مناسب معلم درباره تدریس مسائل اخلاقی؛ عدم وقت کافی برای استفاده از</p>	<p>روش‌های یاددهی-یادگیری غیرفعال</p>

روش‌های نوین تدریس؛ گذرا توضیح دادن مسائل اخلاقی.

استفاده کم از کتاب تنها ابزار تدریس؛ استفاده کم از فناوری‌های نوین؛ استفاده کم از نرم‌افزارهای تولید محتوا؛ استفاده کم از نرم‌افزارهای چندرسانه‌ای؛ تنوع کم در آموزش محتوا در کلاس به‌خاطر استفاده کم از فناوری؛ کمبود تجهیزات و فناوری جدید در کلاس؛ به‌روز نبودن معلمان در فناوری‌های آموزش و تدریس؛ نبود کامپیوتر در کلاس؛ کمبود سیستم هوشمند و تکنولوژی جدید در مدارس؛ نیاز به بهبود روش و ابزار آموزش اخلاق؛ عدم استفاده از رسانه‌های نوین در آموزش اخلاق؛ نیاز به به‌روزرسانی تجهیزات و ابزار آموزشی در کشور؛ عدم دسترسی به فناوری در مدارس.

ارزشیابی کمی و نمره‌گرا ارزشیابی نمره‌محور؛ ارزشیابی کنکورمحور؛ ارزیابی حافظه‌محور؛ توجه به آزمون پایانی؛ عدم خدمت ارزشیابی به یادگیری؛ ارزشیابی فقط توسط معلم؛ توجه کم به خودارزیابی، توجه کم به هم‌سال‌سنجی و والدین‌سنجی؛ تأکید زیاد بر کتاب‌های درسی در ارزشیابی؛ توجه به جواب‌های درست؛ توجه به جواب‌های عین کتاب؛ ارزشیابی از سطوح پایین حیطه شناختی؛ توجه کم به آزمون عملی؛ ارزشیابی کمی و غیرکیفی؛ عدم تطابق روش ارزشیابی با محتوای اخلاق؛ پیشنهاد روش عملی برای آموزش و ارزشیابی اخلاق؛ ارزشیابی حافظه‌محور مسائل اخلاقی؛ عدم تطابق روش ارزشیابی با محتوای اخلاق؛ نیاز به ارزشیابی عملی.

چالش فضای فیزیکی و جو عاطفی مدرسه فضای فیزیکی مدرسه تأثیر فضای فیزیکی بر آموزش اخلاق؛ تأثیر فضای فیزیکی بر یادگیری؛ عدم رغبت کودکان به ماندن در محیط مدرسه؛ راحت نبودن معلم و دانش‌آموز در کلاس؛ فضای فیزیکی خسته‌کننده و تکراری؛ تأثیرصندلی‌های پشت-سرهم؛ عدم انطباق فضای فیزیکی با شرایط سنی کودکان؛ صندلی‌های خشک و خسته‌کننده؛ وسایل سرمایشی و گرمایشی نامناسب؛ فضای سبز کم؛ امکان بازی کم؛ امکان جنب‌وجوش کم؛ محیط غیرشاد؛ تناسب فضای مدرسه با جمعیت دانش‌آموزان؛ نور کم کلاس؛ دمای نامناسب کلاس؛ کوچک بودن فضای کلاس؛ شلوغی کلاس؛ نبودن فضای باز مناسب؛ عدم وجود فضای سبز در مدارس کوچک؛ استفاده از خانه‌ها و مکان‌های کوچک برای مدرسه؛ نبود امکانات مناسب در مدارس؛ کلاس‌های کوچک و شلوغ؛ نقش ظاهر و طراحی مدرسه و رنگ‌آمیزی و دیوارنویسی مدرسه؛ اثرگذاری فضای فیزیکی بر اخلاقیات دانش‌آموز؛ تنوع و مناسب بودن فضای مدرسه؛

نقش نگاه بصری و لذت‌بخش بودن فضای مدرسه؛ عدم محیط تفریحی شاد در مدارس؛ ظاهر و طراحی مدرسه.

جو عاطفی
مدرسه

رابطه عاطفی بین دانش‌آموزان؛ رابطه عاطفی دانش‌آموز و معلم؛ رابطه عاطفی معلمان؛ رابطه عاطفی معلم با مدیر؛ رابطه عاطفی مسئولان با دانش‌آموزان؛ رابطه عاطفی معلم و مسئولان با خانواده؛ استفاده از تنبیه؛ توجه کم به تشویق؛ قضاوت کردن دانش‌آموزان؛ زدن برچسب‌های متعدد به دانش‌آموزان؛ نشناختن تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان؛ کم‌توجهی مدیران و دست‌اندرکاران مدارس به رعایت مسائل اخلاقی؛ تأثیر اعتقادات شخصی بر محیط کار؛ عدم همسویی و هم‌نظری مدیران با معلم در آموزش اخلاق؛ چالش عدم هماهنگی مدیران با معلم؛ نقش مدیران و دست‌اندرکاران در تربیت دانش‌آموزان؛ عدم هماهنگی رفتار و گفتار مدیران و کارکنان در آموزش اخلاق؛ نیاز به همکاری مدیر و کارکنان با معلم در آموزش اخلاق؛ چالش عدم همکاری مدیر و کارکنان با معلم؛ نقش مدیر در الگوی اخلاقی برای دانش‌آموزان؛ تأثیر رفتار مدیر و کادر مدرسه بر یادگیری دانش‌آموزان؛ عدم رعایت رفتار مناسب مدیر یا کادر مدرسه؛ چالش عدم همکاری مدیر یا کادر مدرسه با معلم در آموزش اخلاق؛ الگوپذیری دانش‌آموزان از مدیر و معاون.

معلم الگوی خوبی از رفتار اخلاقی؛ تناقض بین رفتار و گفتار معلم؛ تناقض بین حرف و عمل معلم؛ حرف از رفتار محترمانه، ولی رفتار غیرمحترمانه؛ حرف از عدالت و انصاف، ولی عمل غیرمنصفانه؛ حرف از مهربانی، ولی رفتار نامهربانانه؛ عادت‌های اخلاقی متناقض؛ دودلی دانش‌آموز در اثر تناقض بین رفتار و گفتار معلم؛ ارزشیابی غیرمنصفانه؛ مقایسه دانش‌آموزان و تحقیر؛ تناقض رفتار و گفتار در کلاس و بیرون کلاس؛ الگوگیری از معلم؛ عدم آگاهی معلم؛ تلفیق نکردن مباحث اخلاقی با مباحث درسی؛ تعارض بین صفت اخلاقی و گفتار و رفتار معلم؛ عدم علاقه به شغل در برخی معلمان؛ شرایط روحی و خانوادگی و اقتصادی معلم؛ عدم تلقی آموزش اخلاق به‌عنوان وظیفه؛ دیر آمدن معلم و عدم وقت کافی؛ عدم رعایت اخلاقیات معلم؛ عدم الگو بودن معلم برای دانش‌آموزان؛ عدم اهمیت دادن به مسائل اخلاقی معلم؛ دل‌سرد شدن معلم در اثر مشکلات آموزش اخلاق.

دوگانگی رفتار
و گفتار مربی

عدم
هماهنگی
بین عناصر
مختلف در
آموزش
اخلاق

دوگانگی در آموزش اخلاق در مدرسه و آموزشگاه‌های دیگر؛ عادی بودن استفاده از برخی از عادت‌ها در مدارس ورزشی و ممنوع بودن آن در آموزش

<p>مدارس؛ تفاوت پوشش در مدرسه و سایر آموزشگاه‌ها؛ عادی بودن استفاده از برخی اصطلاحات در جامعه و آموزشگاه‌های آزاد و تناقض آن با مدرسه؛ تناقض پوشش مربی در مدرسه و آموزشگاه‌های آزاد، هماهنگ نبودن بحث آموزش اخلاق در مدرسه و سایر آموزشگاه‌های آزاد؛ تأکید بر رعایت برخی ارزش‌ها در مدرسه و نادیده گرفتن آن در سایر آموزشگاه‌ها.</p>	<p>ارزش‌ها در مدرسه و سایر آموزشگاه‌های آزاد،</p>
<p>ارتباط از طریق فضای مجازی با کل دنیا؛ در دسترس بودن محتوای غیراخلاقی در فضای مجازی؛ تلاش بیگانگان در جهت کم اهمیت جلوه داده ارزش‌های جامعه؛ تأثیر زیاد از فضای مجازی؛ عدم برنامه برای تولید محتوای اخلاقی برای دانش‌آموزان؛ نقش بازی‌های مجازی و تأثیرپذیری دانش‌آموزان از آن؛ عادی شدن برخی عادت‌های غیراخلاقی از طریق بازی مجازی؛ راحت بودن ارتباط با همه افراد در فضای مجازی؛ عدم آشنایی با فرهنگ فضای مجازی؛ الگوپذیری از رسانه‌های معاند و مبتذل؛ سواد رسانه‌ای معلم.</p>	<p>دوگانگی فضای مجازی و حقیقی</p>
<p>عدم هماهنگی بین مدرسه و کودک در آموزش اخلاق؛ درگیر بودن خانواده در بحث معیشت و مراقبت و حمایت کمتر از کودکان؛ تفاوت در روش پرورشی مدرسه و خانواده؛ جلسات هماهنگی کم بین خانواده و مدرسه؛ تفاوت در قوانین مدرسه و خانواده؛ خانواده در حال تغییر؛ توجه کم در مشاوره به خانواده‌ها؛ روش آسان‌گیرانه برخی والدین و سخت‌گیرانه مدرسه؛ لزوم درگیر کردن والدین در بحث آموزش اخلاق؛ عدم آشنایی خانواده‌ها با روش‌های تربیت کودکان؛ غفلت مدرسه از لزوم حمایت مدرسه از آموزش اخلاق به کودکان؛ دوگانگی تربیت خانه و مدرسه؛ توجه کم به آموزش اخلاق در خانواده؛ تغییر فرهنگ و ارزش‌های اخلاقی در جامعه و خانواده؛ دانش کم برخی خانواده‌ها در آموزش اخلاق؛ تعارض نظر معلم با جامعه و خانواده؛ عدم احترام و اعتماد خانواده‌ها به معلم؛ نداشتن اقتدار یا محبوبیت معلم؛ چالش‌های مربوط به فضای جامعه؛ گرایش به بی‌اخلاقی‌ها در سطح جامعه به دلیل جذابیت؛ تعارض بین محیط پرورش و واقعیت اخلاقی؛ عدم احترام به معلم و عدم الگوپذیری از او؛ نابهنجاری یا طلاق والدین برای برخی دانش‌آموزان؛ تفاوت در اعتقادات و نحوه تربیت خانواده‌ها؛ پرورش رفتار غیراخلاقی در بعضی خانواده‌ها؛ تعارض بین خانواده و مدرسه؛ سختی جایگزین کردن اخلاق خوب به جای اخلاق بد؛</p>	<p>ناهماهنگی چارچوب خانواده و محیط اجتماعی با محیط آموزشی</p>

ناآگاهی خانواده‌ها از مسائل اخلاقی؛ وجود ناهنجاری‌ها در خانواده؛ عدم آگاهی خانواده‌ها از روش صحیح تربیت کودکان؛ رفتار یکنواخت و غیراخلاقی خانواده‌ها با کودکان؛ الگوبرداری بچه‌ها از رفتار خانواده‌ها؛ تأثیر خانواده، مهم‌ترین رکن جامعه در تربیت فرزندان؛ چالش معلم برای آموزش اخلاق به بچه‌های بی‌اخلاق؛ تعارض بین خانه و مدرسه برای دانش‌آموز؛ خانواده، رکن اساسی تربیت بچه‌ها؛ نیاز به تثبیت آموزش معلم در خانواده؛ عدم هماهنگی سطح فرهنگ خانواده و مدرسه؛ دیدگاه‌ها و ارزش‌های متفاوت خانواده و مدرسه؛ دوگانگی و سردرگمی دانش‌آموز؛ عدم علاقه به یادگیری اخلاقیات؛ نیاز به همکاری خانواده و سیستم آموزشی؛ محیط زندگی و جامعه؛ تأثیر محیط بر کودک؛ تعارض محیط و مدرسه؛ تأثیر محیط بر اخلاق و رفتار کودک؛ شرایط اقتصادی جامعه؛ بی‌اخلاقی در محیط زندگی؛ رواج بی‌اخلاقی در جامعه؛ یادگیری دانش‌آموز در بی‌اخلاقی؛ چالش معلم برای تغییر بی‌اخلاقی.

دوگانگی	توجه بیش‌ازحد به کنکور؛ حاکم‌شدن رقابت‌های کاذب؛ آموزش
پرورش و تراز علمی	تست‌محور؛ توجه بیش‌ازحد به ترازهای علمی و توجه کم به آموزش اخلاق.

ناهماهنگی	همسالان با سطح فرهنگی متفاوت؛ فشار همسالان در نادیده گرفتن
چارچوب همسالان و دوستان	ارزش‌ها؛ شنیدن برخی از موارد غیراخلاقی از نظر جامعه از همسالان؛ اتکای زیاد به همسالان؛ فشار همسالان جهت شرکت در فعالیت‌های ضدّ اجتماعی مانند مسخره کردن، کتک‌کاری و شکستن قوانین مدرسه؛ دروغ گفتن و یا انجام رفتارهای پرخطر؛ ارتباط با همسالان در سراسر دنیا؛
محیط آموزشی	تأثیرپذیری از همسالان در فضای حقیقی و مجازی؛ رابطه بین همسالان و اخلاقیات دانش‌آموزان؛ نیاز به هدایت و آگاه‌سازی همسالان در مورد اخلاق؛ الگوپذیری دانش‌آموزان؛ تأثیرپذیری دانش‌آموزان؛ نقش دوستان و همکلاسی‌ها؛ عواقب منفی یا مثبت تأثیرپذیری؛ نقش دوستان و همسالان در تربیت اخلاقی؛ تقلیدپذیری کودکان؛ نقش دوستان و همسالان در الگوی رفتاری نامناسب؛ تقلید و الگوپذیری از دوستان؛ مقایسه نقش معلم و دوستان.

باتوجه به کافی نبودن توصیف مضامین (فراگیر، سازماندهنده و پایه)، به تنهایی، برای دستیابی به درکی جامع از چالش‌های آموزش اخلاق به کودکان در دوره ابتدایی، لازم است روابط بین این مضامین در قالب شبکه مضامین هم ترسیم شود (شکل ۱).



شکل ۱. شبکه مضامین چالش‌های آموزش اخلاق

بنا بر شکل (۱)، شبکه مضامین چالش‌های آموزش اخلاق به کودکان در دوره ابتدایی، از ۴ مضمون فراگیر و ۱۴ مضمون سازمان‌دهنده تشکیل شده که در ادامه، هریک از مضامین فراگیر و سازمان‌دهنده آن ارائه و سپس نمونه نقل‌قول‌های مشارکت‌کنندگان، ذیل هرکدام بیان می‌شود.

۱. چالش‌ها در زمینه محتوای آموزش اخلاق

چالش‌ها در زمینه محتوای آموزش اخلاق یکی از مضامین فراگیری بود که در این پژوهش استخراج شد. این مضمون فراگیر از ۲ مضمون سازمان‌دهنده تأکید بیش‌ازحد بر سطوح پایین حیطه شناختی و توجه کم به حیطه عاطفی و عملکردی تشکیل شده است.

۱-۱. تأکید بیش‌ازحد بر سطوح پایین حیطه شناختی: در کتاب‌های درسی، تأکید بیش‌ازحد بر سطوح پایین حیطه شناختی شده است. مشارکت‌کنندگان این پژوهش نیز به این چالش اشاره می‌کنند؛ یکی از مشارکت‌کنندگان در این زمینه می‌گوید:

محتوای آموزشی در زمینه اخلاق، معمولاً حافظه‌محور، موضوع‌محور و معلم‌محور است و دانش‌آموز بیشتر غیرفعال است، بیشتر حیطه شناختی مورد تأکید است و کمتر به حیطه‌های عاطفی و روان‌حرکتی و تفاوت‌های فردی دانش‌آموز توجه می‌کند. خیلی بر استدلال و اندیشیدن به صورت منطقی توجه نمی‌شود. تکالیف مشخص‌شده نیز حافظه‌محور است. تأکید بر کتاب‌های درسی زیاد است و توجه کمی به سایر منابع می‌شود. به حیطه‌های مختلف توجه نامتوازن شده است. محتوا بیشتر دانش‌افزا است تا عملیاتی‌محور.

۱-۲. توجه کم به حیطه عاطفی و عملکردی: در محتوای درسی مورد نظر، آموزش اخلاق بیشتر موضوع‌محور بوده و به علاقه، انگیزه و شرایط سنی و به‌طور کلی، حیطه عاطفی توجه کمی شده است و همچنین بیشتر بر ارتقای دانش نظری دانش‌آموزان تأکید می‌شود و جنبه عملی و کاربرد آن در زندگی، کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. یکی از مشارکت‌کنندگان در این زمینه می‌گوید:

یکی از موانع و چالش‌ها در بحث آموزش اخلاق، کلاس‌های خشک، یک‌طرفه و انعطاف‌ناپذیر است؛ کلاسی که به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان، نگرش و عملکرد و عواطف دانش‌آموزان توجهی نمی‌کند. در

این کلاس‌ها بیشتر بر دانش و دانستن تأکید می‌شود و کمتر بر کار عملی و جنبه عملی و نگرشی و عاطفی توجه می‌شود؛ یعنی فقط بر حیطه شناختی توجه می‌شود؛ آن هم حیطه‌های سطح پایین و حافظه‌محور نه حیطه‌های سطح بالا.

۲. چالش‌ها در زمینه دانش آموزش محتوای اخلاق

مضمون فراگیر دیگری که از تجزیه و تحلیل داده‌ها استخراج شد، چالش‌ها در زمینه محتوای آموزش اخلاق بود. این مضمون فراگیر از ۴ مضمون سازمان‌دهنده، معلم‌محوری و انفعال دانش‌آموزان، روش‌های یاددهی-یادگیری غیرفعال، استفاده کم از فناوری‌ها و ابزارهای نوین در آموزش محتوای اخلاق، ارزشیابی کمی و نمره‌گرا تشکیل شده است.

۲-۱. معلم‌محوری و انفعال دانش‌آموزان: بنا بر نظر مشارکت‌کنندگان در آموزش اخلاق در دوره ابتدایی، معلم محور همه کارهاست و بیشتر از روش‌های تدریسی استفاده می‌شود که دانش‌آموزان را منفعل و غیرفعال می‌کند. در واقع به جای اینکه دانش‌آموزان خود مسئولیت یادگیری را برعهده بگیرند، معلم مسئول یادگیری است. یکی از مشارکت‌کنندگان در این زمینه می‌گوید:

معلمان از روش‌های تدریس نوین برای آموزش اخلاق، استفاده نمی‌کنند و معمولاً از روش سخنرانی و روش‌های تدریسی که دانش‌آموز منفعل است و معلم فعال، استفاده می‌کنند و این روش‌ها تأثیر بسیار کم و موقتی دارند. معلم از روش‌های تدریس شاد و روش‌هایی که دانش‌آموزان به آن علاقه دارند و در آن فعال هستند، مانند کار گروهی استفاده نمی‌کند؛ بنابراین علاقه دانش‌آموزان نسبت به مسائل اخلاقی کم شده و تأثیر آن از بین می‌رود.

مشارکت‌کننده دیگری در همین زمینه، می‌گوید:

متأسفانه، اکثر معلمان از روش تدریس سخنرانی برای آموزش اخلاق استفاده می‌کنند. آموزش اخلاق هم مبحث مهمی است که باید با روش‌های تدریس جدید و خلاقانه آن را آموزش داد. اینکه معلمان آموزش مناسب برای استفاده از روش تدریس خلاقانه هم ندیده‌اند، چالش بزرگ دیگری ایجاد می‌کند.

۲-۲. ارزشیابی کمی و نمره‌گرا: طبق نتایج پژوهش، ارزشیابی از یادگیری دانش‌آموزان در بحث اخلاق، به ارزشیابی معلومات محتوایی خلاصه می‌شود و مهارت‌های شناختی سطح بالاتر کمتر مورد توجه قرار داده می‌شود. یکی از مشارکت‌کنندگان در این زمینه، می‌گوید: ارزشیابی در همهٔ زمینه‌ها، از جمله اخلاق، نمره‌محور، کنکورمحور و حافظه‌محور است و فقط به آزمون پایانی توجه می‌شود. ارزشیابی را فقط معلم انجام می‌دهد و به منابع دیگر، مانند خودارزیابی، همسال‌سنجی و والدین‌سنجی، هیچ توجهی نمی‌شود. معلمان برای ارزشیابی دانش‌آموزان، زیاد روی کتاب‌های درسی تأکید نکنند و برای ارزشیابی دانش‌آموزان، فقط دنبال جواب‌های درست و عین کتاب نباشند.

مشارکت‌کنندهٔ دیگری در زمینهٔ ارزشیابی می‌گوید:

ارزشیابی معمولاً تئوری و نظری است؛ درحالی‌که در بحث اخلاق، اصلاً تئوری جواب نمی‌دهد و باید فرصت عملی باشد؛ معلم رفتار بچه‌ها را در عمل ببیند و طبق آن نمره بدهد، ولی در کشور ما، متأسفانه، سیستم آموزشی به‌صورتی است که در بحث اخلاقیات هم به‌صورت نظری کار می‌شود و به‌صورتی نمرهٔ بچه‌ها سنجش می‌شود که من شخصاً معتقدم اصلاً مناسب نیست و اصلاً جوابگوی بحث آموزشی در اخلاقیات نخواهد بود.

مشارکت‌کنندهٔ دیگری راجع به ارزشیابی می‌گوید:

ارزشیابی نیز یکی از مراحل مهم تدریس است. اگر یک مسئلهٔ اخلاقی خوب آموزش داده بشود، ولی ارزشیابی مناسب نشود، آن مسئله به‌درستی در ذهن دانش‌آموز نمی‌ماند. ارزشیابی خوب ارزشیابی است که حافظه - محور نباشد و حافظهٔ دانش‌آموز را محک نزنند. باید به‌گونه‌ای باشد که معلم بفهمد آیا دانش‌آموز آن مسئله را فهمیده؟ در زندگی روزمره به کار می‌برد یا نه؟ درک او از این مسئله چقدر بوده؟ که متأسفانه ارزشیابی مسائل اخلاقی فقط در حد حافظه‌محوری است.

۲-۳. استفادهٔ محدود از فناوری‌ها و ابزارهای نوین در آموزش محتوای اخلاق: یکی از عناصری که می‌تواند به متنوع و جذاب‌شدن محتوای یادگیری در زمینهٔ اخلاق، کمک کند استفاده از رسانه‌ها و ابزارهای نوین آموزش و یادگیری است که طبق نظر مشارکت‌کنندگان در کلاس‌های درس، کمتر از این فناوری‌ها استفاده می‌شود.

یکی از مشارکت‌کنندگان در این زمینه، می‌گوید:

هرچه ابزار و وسایل یادگیری بیشتر در اختیار معلم باشد، آموزش اخلاق برای او بهتر و راحت‌تر می‌شود. متأسفانه ابزار و امکانات مناسب در مدارس بسیار محدود است. معلم اگر بخواهد از روش تدریس نوین استفاده کند، به فناوری نیاز دارد. وقتی من می‌خواهم برای دانش‌آموزانم فیلم بگذارم یا کارتون حاوی مسائل اخلاقی بگذارم، با نبود امکانات مواجه هستم. یا پرسش‌هایی که دانش‌آموزان در حوزه اخلاق می‌پرسند و من آگاهی کامل ندارم، برای پاسخ به اینترنت نیاز دارم که متأسفانه اکثر مدارس فاقد فناوری است.

مشارکت‌کننده دیگری می‌گوید:

"قطعاً فضایی که بچه‌ها درس می‌خوانند، امکاناتی که در محیط مدرسه هست، سیستم آموزشی که هست و حالا تجهیزاتی مثل کامپیوتر، سیستم‌های صوتی تصویری، همه این‌ها، می‌تواند دانش‌آموز را جذب کند. ما در بحث اخلاقیات، به راحتی، می‌توانیم از نمایش فیلم و کتاب و حالا صوت و تصویر استفاده کنیم. اگر مدرسه این امکانات را نداشته باشد، به ویژه، مدارس روستایی و محروم که بچه‌ها به دور از امکانات هستند، اگر بخواهیم از ویژگی‌های خوب پیامبر به بچه‌ها بگوییم، لازم است که در کنار آن کلیپ‌هایی در خصوص پیامبر برای بچه‌ها بگذاریم تا ماندگاری حرف‌های معلم چندین برابر بشود؛ ولی در مناطق محروم و کلاً جاهایی که فناوری و ابزارهای آموزشی کم است، این یادگیری خیلی کمتر ایجاد می‌شود و بچه‌ها خیلی زودتر فراموش می‌کنند و متأسفانه باز هم از آموزش اخلاقیات عقب می‌افتند و رسیدن به این هدف نیازمند تجهیزات و امکانات به‌روزرسانی شده در کشور است.

۳. چالش‌ها در زمینه فضای فیزیکی و جو عاطفی مدرسه

یکی از مضامین فراگیر دیگر چالش‌های فضای فیزیکی و جو عاطفی مدرسه در بحث آموزش اخلاق است که این مضمون فراگیر از دو مضمون سازمان‌دهنده فضای فیزیکی و جو عاطفی مدرسه تشکیل شده است.

۳-۱. چالش فضای فیزیکی مدرسه: فضای فیزیکی مدرسه نقش زیادی در پرورش اخلاقی

دانش‌آموزان دارد؛ به طوری که یکی از مشارکت‌کنندگان در این زمینه، می‌گوید:

مسلماً فضای فیزیکی هم در تربیت اخلاقی دانش‌آموزان نقش دارد. وقتی فضای مدرسه شاد نباشد، محیط بازی مناسب نداشته باشد، کلاس شلوغ و پرسروصدا باشد، ساختمان قدیمی باشد و نور کافی نداشته باشد، همه‌وهمه، بر آموزش اخلاق و کیفیت آن تأثیر می‌گذارد.

یکی از مشارکت‌کنندگان دیگر نیز می‌گوید:

قطعاً ظاهر مدرسه، شکل مدرسه، طراحی مدرسه، همه این‌ها اثرگذار است. ما اگر فضای مدرسه، رنگ‌آمیزی کلاس‌ها و درها و پنجره‌ها، دیوارنویسی‌های مدرسه را در نظر بگیریم، خیلی اثرگذار است؛ زیرا وقتی دانش‌آموز صبح تا ظهر در مدرسه هست و این تصاویر و طراحی‌ها دائماً جلوی چشم اوست و اگر به صورتی باشد که بچه با دیدن آن‌ها لذت ببرند و در مورد ارزش‌های دینی و اخلاقی به فکر فرو بروند، با ضمن لذت بردن از تصاویر و طرح‌ها، به مرور در اخلاقش اثرگذار است و به سمت آن اخلاقیات جذب می‌شود. برعکس این قضیه نیز وجود دارد؛ اگر فضای مدرسه خشک و بی‌روح باشد، متنوع و متناسب با سن بچه‌های ابتدایی نباشد، بچه‌ها هیچ نیروی محرکه‌ای ندارند که جذب اخلاقیات بشوند؛ بنابراین فضای فیزیکی نیز بسیار مؤثر است. به‌ویژه در دوره ابتدایی که بچه‌ها از حوزه بصری بسیار تأثیرپذیرند و اگر فضای دلنشین داشته باشند، قطعاً خوشایند بچه‌ها خواهد بود و لذت می‌برند.

۳-۲. چالش جو عاطفی مدرسه: جو عاطفی مدرسه نیز یکی از مواردی است که آموزش

اخلاق دانش‌آموزان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. یکی از مشارکت‌کنندگان در این زمینه، می‌گوید:

ارتباط ناصحیح و ناهمسو در بخش‌های مختلف (رابطه عاطفی که بین دانش‌آموز و دانش‌آموز، دانش‌آموز با معلم، معلم با معلم، معلم با مسئولان وجود دارد) به‌طور غیرمستقیم، بر اخلاق دانش‌آموزان اثر می‌گذارد؛ به-

طورکلی، جو اخلاق مدرسه، عامل مهمی در آموزش اخلاق به دانش-آموزان است.

۴. چالش‌ها در زمینه ناهماهنگی و دوگانگی بین عناصر مختلف در آموزش اخلاق

چهارمین مضمون فراگیر استخراج شده در این پژوهش چالش‌ها در زمینه ناهماهنگی و دوگانگی بین عناصر مختلف در آموزش اخلاق است که این مضمون فراگیر از ۴ مضمون سازمان‌دهنده دوگانگی رفتار و گفتار مربی، ناهماهنگی در آموزش ارزش‌ها در مدرسه و سایر آموزشگاه‌های آزاد، دوگانگی فضای مجازی و حقیقی، ناهماهنگی چارچوب خانواده و جامعه با محیط آموزشی، دوگانگی پرورش و تراز علمی، ناهماهنگی چارچوب همسالان و دوستان با محیط آموزشی تشکیل شده است.

۴-۱. دوگانگی رفتار و گفتار مربی: عدم هماهنگی بین سخن و عمل مربی، دانش‌آموزان را دچار دوگانگی می‌کند و این دوگانگی خود مانعی در درونی کردن اخلاق در دانش‌آموزان است. یکی از مشارکت‌کنندگان در این زمینه، می‌گوید:

چالش دیگر این است که معلم حالا خودش در ظاهر و باطن اخلاقیات را رعایت می‌کند؟ پایبند به انجام اعمال دینی است؟ اگر معلم خودش پایبند باشد، قطعاً دانش‌آموزان از معلم الگوبرداری خواهند داشت و حالا آموزش راحت‌تر و سریع‌تر انجام می‌شود، اما اگر معلم خودش مسائل اخلاقی را رعایت نکند، پایبند نباشد، بین گفتار و رفتارش تفاوت زیادی باشد، دانش‌آموزان مطمئناً به‌خوبی نمی‌توانند این اخلاقیات را در خودشان درونی کنند.

یکی از مشارکت‌کنندگان دیگر در این زمینه، می‌گوید:

معلم و مسئولان مدرسه باید الگوی خوبی از رفتار اخلاقی باشند. در بعضی موارد، بین رفتار و گفتار معلم تناقض وجود دارد. بین حرف و عمل او تناقض وجود دارد. حرف او رفتار محترمانه زده می‌شود، ولی محترمانه رفتار نمی‌شود. حرف از عدالت و انصاف می‌شود، ولی منصفانه رفتار نمی‌شود. حرف از مهربانی زده می‌شود، ولی مهربانانه برخورد نمی‌شود. معلم هرروز به کلاس می‌رود، دانش‌آموزان به اعمال و رفتار آنان توجه می‌کنند؛ معلم بهترین الگو برای دانش‌آموزان درباره عادت‌های اخلاقی

چالش‌های آموزش اخلاق اسلامی به دانش‌آموزان ... / امین باقری کراچی و دیگران ۸۵

است. تناقض بین گفتار و رفتار معلم، خود، چالش و مانعی در برابر آموزش است. دانش‌آموزان رفتار معلم را تقلید می‌کند؛ اگر معلم پرخاشگرانه رفتار کند، دانش‌آموزان نیز به همین سمت گرایش پیدا می‌کنند و با یکدیگر به تندی رفتار می‌کنند؛ حتی اگر معلم بگوید پرخاشگری بد است.

۲-۴. ناهماهنگی در آموزش ارزش‌ها در مدرسه و سایر آموزشگاه‌های آزاد جامعه: یکی از چالش‌ها در بحث آموزش اخلاق، ناهماهنگی بین مدرسه و سایر آموزشگاه‌های آزاد در سطح جامعه است. یکی از مشارکت‌کنندگان در این زمینه، می‌گوید:

ناماهنگی اساسی در بحث آموزش اخلاق، بین مدرسه و سایر مؤسسات آموزشی، مثل مدارس ورزشی، وجود دارد؛ برای مثال، برخی از واژه‌هایی که به کار بردن آن در مدرسه ممنوع است، در آنجا، مریبان و دانش‌آموزان، به راحتی، به کار می‌برند. برای مثال، در مدرسه تقلب و دروغ عملی بد آموزش داده می‌شود، ولی در برخی مدارس ورزشی، مریبان از دانش‌آموزان درخواست می‌کنند که تمارض کنند و یا اگر خطایی انجام دادند، منکر آن شوند. این رفتارها در دانش‌آموز و کودک دوگانگی ایجاد می‌کند.

۳-۴. دوگانگی فضای مجازی و حقیقی: یکی از چالش‌های دیگر در بحث آموزش اخلاق، چالش ناهماهنگی و دوگانگی فضای مجازی و حقیقی است. یکی از مشارکت‌کنندگان در این زمینه، می‌گوید:

یکی از عواملی که آموزش اخلاق را بی‌اثر می‌کند، دوگانگی فضای مجازی و حقیقی است. در فضای مجازی محتوای غیراخلاقی در دسترس کودکان قرار دارد که این امر موجب کم‌رنگ شدن ارزش‌های جامعه می‌شود. بازی‌های مجازی نیز نقش اساسی دارند که دانش‌آموزان تأثیر زیادی از این بازی‌ها می‌پذیرند و برخی از بازی‌ها سبب می‌شوند، برخی عادت‌های غیراخلاقی از طریق بازی در دانش‌آموزان، عادی شود؛ نیاز است برای بازی دانش‌آموزان، محتوایی متناسب با ارزش‌های جامعه تولید شود؛

بازی‌هایی که برای دانش‌آموزان جذاب باشد و ضمن آن، ارزش‌های اخلاقی جامعه نیز در آنان نهادینه شود.

۴-۴. **ناهماهنگی چارچوب همسالان و دوستان با محیط آموزشی:** یکی از چالش‌ها در بحث آموزش اخلاق، نقش همسالان و دوستان است. گاه در محیط آموزشی بر ارزش‌های اخلاقی تأکید زیادی می‌شود، ولی دوستان و همسالانی که دانش‌آموز با آنان سروکار دارند، عاری از این باورهای اخلاقی هستند که این دانش‌آموز را دچار دوگانگی می‌کند. یکی از مشارکت‌کنندگان در این زمینه، می‌گوید:

همسالان در شکل‌گیری اخلاقیات دانش‌آموزان بسیار تأثیرگذار هستند. عدم توانایی‌های اخلاقی همسالان، تأثیرپذیری بی‌اندازه آن‌ها از رسانه‌های نامناسب، داشتن دوستانی با فرهنگ‌ها و خانواده‌های مختلف و ارزش‌های اخلاقی متفاوت، موجب چالش‌هایی می‌شود که آموزش اخلاق را سخت می‌کند.

مشارکت‌کننده دیگری می‌گوید:

دوستان و همسالان نقش مهمی در تربیت اخلاقی بچه‌ها دارند. این قدر که همسالان در شخصیت و رفتار بچه‌ها تأثیر می‌گذارند، معلم تأثیر نمی‌گذارد. بنابراین مهم است که دوستان، در چه خانواده و با چه فرهنگ و عقایدی بزرگ شدند. وقتی همسالان بی‌اخلاقی را در خانواده یا جامعه یاد می‌گیرند، روی دوستانشان تأثیر می‌گذارند و سبب می‌شوند که از آن‌ها تقلید کنند و الگوی محبوب‌تری نسبت به معلم باشند.

۴-۵. **ناهماهنگی چارچوب خانواده و جامعه با محیط آموزشی:** گاه در محیط آموزشی بر ارزش‌های اخلاقی تأکید زیادی می‌شود، ولی خانواده و محیط اجتماعی عاری از این باورهای اخلاقی هستند که این دانش‌آموز را دچار دوگانگی می‌کند. یکی از مشارکت‌کنندگان در این زمینه، می‌گوید:

محیط زندگی و جامعه یکی دیگر از گزینه‌هایی است که کودک در آن رشد می‌کند و از آن تأثیر می‌پذیرد. اگر محیط زندگی کودک به گونه‌ای باشد که مثلاً او را یک انسان خودخواه بار آورده باشد، وقتی مدرسه به او آموزش همدلی و نعدوستی می‌دهد، دانش‌آموز دچار تعارض می‌شود.

چالش‌های آموزش اخلاق اسلامی به دانش‌آموزان ... / امین باقری کراچی و دیگران ۸۷

وقتی جامعه یک رفتار را اخلاقی بداند، اما مدرسه یا معلم خلاف آن را آموزش دهد، این یک چالش و تعارض در آموزش اخلاق است.

مشارکت‌کننده دیگری می‌افزاید:

درواقع ما می‌توانیم بگوییم همه این‌هایی که گفته شد، درحقیقت، جامعه را تشکیل می‌دهد؛ هم‌کلاسی‌ها عضوی از جامعه می‌شوند؛ خانواده جامعه‌ای می‌شود که دانش‌آموز در آن زندگی می‌کند؛ همسایه‌ها، محله‌ای که در آن است؛ همه این‌ها خیلی خیلی تأثیرگذار است. فضایی که دانش‌آموز در آن رشد می‌کند، حتی ساختمانی که در آن زندگی می‌کند. محل زندگی دانش‌آموز نیز خیلی خیلی مؤثر است. در بحث اخلاقیات، اگر فضایی که دانش‌آموز در آن است معنوی باشد، پُربار باشد، اخلاقیات سریع‌تر درونی می‌شود؛ اما اگر فضایی که دانش‌آموز در آن زندگی می‌کند، با محیطی که در مدرسه است، با آموزش‌هایی که می‌بیند، خیلی متفاوت باشد، همچنان تأثیر محیط زندگی بیشتر است و متأسفانه، مدرسه نمی‌تواند موفق باشد. بنابراین محیط زندگی و محله می‌کند، شهر، جامعه و کشوری که دانش‌آموز در آن زندگی می‌کند، خیلی مفید و اثرگذار است و اگر مناسب نباشد، قطعاً مفهوم اخلاقیات نمی‌تواند به موفقیت برسد.

۴-۶. **دوگانگی پرورش و تراز علمی:** یکی از دوگانگی‌هایی که در محیط آموزشی وجود دارد این است که برای برخی مدارس و خانواده‌ها، تراز علمی، قبولی در کنکور مدارس خاص و کنکور سراسری بیشتر از پرورش و آموزش اخلاق اهمیت دارد. یکی از مشارکت‌کنندگان در این زمینه، می‌گوید:

بی‌تفاوتی و سهل‌انگاری والدین در بحث آموزش اخلاق و توجه بیش‌از-حد به ترازهای علمی نیز چالشی در بحث آموزش اخلاق است؛ هرگاه والدین به مدرسه مراجعه می‌کنند، فقط از نمرات دانش‌آموزان می‌پرسند، از اخلاق هیچ صحبتی به میان نمی‌آورند؛ به‌طورکلی والدین دنبال قبولی دانش‌آموزان در کنکورهای مختلف، چه کنکور مدارس خاص و چه کنکور سراسری، هستند، به‌نوعی اهداف پرورشی فدای ترازهای علمی شده است.

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف شناسایی چالش‌های آموزش اخلاق اسلامی به دانش‌آموزان در دوره ابتدایی انجام شد. در این تحقیق، ۴ مضمون فراگیر و ۱۴ مضمون سازمان‌دهنده، درباره آموزش اخلاق اسلامی به دانش‌آموزان در دوره ابتدایی، شناسایی شد. بر مبنای این مضامین، نتیجه گرفتیم که وضعیت موجود آموزش اخلاق به دانش‌آموزان در دوره ابتدایی، از ۴ منظر «محتوای آموزش اخلاق»، «دانش آموزش محتوای اخلاقی»، «فضای فیزیکی و جو عاطفی مدرسه» و «عدم هماهنگی و دوگانگی بین عناصر مختلف در آموزش اخلاق» آسیب دارد. با توجه به این ۴ منظر (۴ مضمون فراگیر و مضامین سازمان‌دهنده مربوط به آن‌ها)، ۹ چالش در مورد محتوای آموزش اخلاق به کودکان در دوره ابتدایی، شناسایی شد که شناخت این چالش‌ها می‌تواند به برنامه‌ریزان آموزش و پرورش در برطرف کردن چالش‌ها و موانع آموزش اخلاق کمک کند.

چالش یک؛ محتوای آموزش اخلاق در دوره ابتدایی، بیشتر بر سطوح پایین حیطه شناختی تأکید دارد و به حیطه‌های عاطفی و عملکردی کمتر توجه شده است و محتوا بیشتر حافظه‌محور و دانش‌افزا است تا کاربردی و عملیاتی‌محور؛ این در حالی است که محتوا باید با نیازها و شبهه‌های اخلاقی کودکان هماهنگ باشد و به نیازهای کودکان توجه کند و حتی به نیازهای جامعه نیز توجه لازم داشته باشد. محتوا باید با زندگی واقعی دانش‌آموزان هماهنگ باشد؛ اگر دانش‌آموزان به این نتیجه برسند که علیرغم منطقی بودن و باارزش بودن، مبحث اخلاقی کاربرد چندانی در زندگی واقعی ندارد، به آن توجهی نمی‌کنند.

از طرف دیگر، حجم زیاد دروس، محتوا و زمان اندک معلم برای آموزش آن، سبب توجه کمتر به بحث آموزش اخلاق و توجه بیشتر به دروسی مانند ریاضی و علوم و... شده است. یافته‌های این پژوهش با یافته‌های تحقیق شریفی زارچی و خلعتی (۱۳۹۶) همخوانی دارد. شریفی زارچی و خلعتی (۱۳۹۶) توجه نامتوازن به حفظیات مباحث اخلاقی و بی‌توجهی به شکل‌دهی به رفتار اخلاقی و عدم ارائه کاربردی و عملیاتی اخلاق در زندگی را یکی از آسیب‌های جدی در بحث آموزش اخلاق ذکر کرده است و به این نکته اشاره می‌کند که هرچه آموزش اخلاق کاربردی و عملیاتی‌تر باشد، بیشتر در ذهن و روح متربی

چالش‌های آموزش اخلاق اسلامی به دانش‌آموزان ... / امین باقری کراچی و دیگران ۸۹

جای می‌گیرد و در تمام مراحل زندگی به مددش می‌آید. برای دستیابی به هدف درونی‌سازی اخلاقی، لازم است در محتوای آموزش، به هماهنگی ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری آموزش توجه شود تا بتواند همه ابعاد وجودی را درگیر آموزش و اثربخشی آن کند؛ به عبارت دیگر، در محتوای آموزش باید سه بُعد پرورش شناختی، توجه به عواطف اخلاقی و مؤلفه‌های رفتار اخلاقی را مدنظر قرار داد (خسروی و باقری، ۱۳۸۷، ص ۸).

چالش دو؛ محتوای آموزش اخلاق به کودکان در دوره ابتدایی، بیشتر به شیوه سنتی به دانش‌آموزان آموزش داده می‌شود و کمتر از شیوه‌های نوین آموزشی و دانش‌آموزمحور برای یادگیری محتوا استفاده می‌شود. شیوه‌های آموزش اخلاق به کودکان بیشتر سخنرانی‌محور است که در این شیوه دانش‌آموز غیرفعال و منفعل و معلم فعال و همه‌کاره است، ارزشیابی حافظه‌محور است و فقط برای ارزشیابی دانش‌آموزان به جواب‌های درست توجه می‌شود، ارزشیابی در خدمت یادگیری نیست و معلم تنها منبع ارزشیابی است و درنهایت، از فناوری‌های نوین آموزشی استفاده چندانی نمی‌شود. در بحث آموزش اخلاق به کودکان، لازم است به سمت شیوه‌های نوین تدریس حرکت کرد؛ شیوه‌هایی که معلم در آن نقش راهنما و تسهیل‌گر دارد، به پرسش‌های دانش‌آموزان ارزش زیادی داده می‌شود، نظر دانش‌آموزان نسبت به موضوعات مختلف مورد آموزش پرسیده می‌شود، از فناوری‌های نوین برای آموزش محتوا استفاده می‌شود، ارزشیابی کیفی و در خدمت یادگیری است و با عنوان بازخورد یادگیری در سرتاسر فرآیند یادگیری جریان دارد. از آنجایی که اخلاق تزریقی و منتقل‌شدنی نیست و انسان خود باید به این باور برسد که اخلاق ارزشمند است، استفاده از شیوه‌هایی که در آن دانش‌آموزان مدیریت یادگیری خود را برعهده دارند، در بحث آموزش اخلاق، ضروری است. یافته‌های این پژوهش با نتایج تحقیق پریدختان (۲۰۱۷)، حسین چاری (۲۰۱۸) و قایمی‌مقدم (۲۰۰۵) همخوانی دارد. این محققان به پیامدهای منفی استفاده از روش‌های نادرست تربیتی اشاره کرده‌اند و یکی از مشکلات تعلیم و تربیت را عدم آگاهی درست مربیان از روش‌های تربیتی می‌دانند.

چالش سه؛ فضای فیزیکی و عاطفی محیط آموزشی باید متناسب با شرایط جسمانی، روانی و عاطفی دانش‌آموزان باشد. وقتی فضای مدرسه شاداب نباشد، محیط بازی مناسب نداشته باشد، کلاس شلوغ و پرسروصدا باشد، ساختمان قدیمی باشد و نور کافی، دمای

مناسب، سرویس بهداشتی و آبخوری مناسب و... نداشته باشد، کیفیت آموزش اخلاق نیز پایین می‌آید. از طرف دیگر، اگر جو عاطفی مدارس مناسب و مثبت و حاکی از احترام نباشد، آموزش‌های اخلاق نیز بی‌نتیجه خواهد بود.

چالش چهارم؛ اگر بین رفتار و گفتار و سخن و عمل معلم هماهنگی وجود نداشته باشد، روند آموزش اخلاق با اختلال جدی مواجه می‌شود. معلم الگوی دانش‌آموزان است و با روح و جان دانش‌آموزان سروکار دارد. اگر معلم به آنچه می‌گوید ایمان نداشته باشد، اعتماد دانش‌آموزان و خانواده‌ها به خود را از دست می‌دهد و دانش‌آموزان را دچار دوگانگی می‌کند. در آموزه‌های اسلامی، عمل به آموخته‌ها بسیار اهمیت دارد؛ خداوند متعال در قرآن کریم (بقره، ۴۴) می‌فرماید: «آیا مردم را به نیکوکاری فرمان می‌دهید و خود را فراموش می‌کنید؛ درحالی‌که شما کتاب می‌خوانید؛ آیا نمی‌فهمید؟» این یافته با نتایج تحقیق برک (۱۳۹۰) همخوانی دارد. برک به این نکته اشاره می‌کند که دانش‌آموزان تضادهای گفتار و عمل مربی را متوجه می‌شوند و این تضاد دل‌زدگی و بدبینی به مربی را به وجود می‌آورد که این مساله روند آموزش را با اختلال مواجه می‌کند.

چالش پنجم؛ ناهماهنگی بین مدرسه و آموزشگاه‌های آزاد مختلف موجب دودلی و تعارض درونی دانش‌آموزان می‌شود. مشاهده ناهماهنگی و حتی تناقض میان مدرسه و سایر آموزشگاه‌ها در بحث آموزش اخلاق و دستورات اخلاقی، به تضعیف باورهای اخلاقی و کاهش اعتماد به اهمیت اخلاق در پیشرفت‌های فردی و اجتماعی کودکان منجر می‌شود. یکی از مؤلفه‌های مهم که بحث آموزش اخلاق را مورد توجه قرار می‌دهد، ساختار زندگی اجتماعی فرد است که مدارس، آموزشگاه‌ها و همسایگان و محیط آموزش مجازی و حقیقی است. اگر بین این محیط‌ها و عناصر در بحث اخلاق تناقض باشد، آموزش اخلاق در مدرسه، دچار آسیب می‌شود. مشاهده تناقض میان القائنات محیطی و دستورات اخلاقی به تضعیف باورهای اخلاقی و کاهش اعتقاد به اهمیت اخلاق در پیشرفت فردی و اجتماعی منجر می‌شود (شریفی زارچی و خلعتی، ۱۳۹۶، ۸۳).

چالش ششم؛ مشاهده دوگانگی در زمینه اخلاق در فضای مجازی و حقیقی، آموزش اخلاق در محیط مدرسه را بی‌اثر می‌کند. فضای اجتماعی متفاوت با باورهای اخلاقی در

چالش‌های آموزش اخلاق اسلامی به دانش‌آموزان ... / امین باقری کراچی و دیگران ۹۱

فضای مجازی، دانش‌آموزان را دچار آسیب می‌کند که این امر سبب کم‌رنگ شدن اخلاق در دانش‌آموزان و کم‌اهمیت جلوه دادن آموزش اخلاق در دانش‌آموزان می‌شود.

چالش هفتم؛ گاه در محیط آموزشی بر ارزش‌های اخلاقی تأکید زیادی می‌شود، ولی دوستان و همسالانی که دانش‌آموزان با آنان سروکار دارند، عاری از این باورهای اخلاقی هستند که این امر دانش‌آموز را دچار دوگانگی می‌کند و آموزش اخلاق را دچار سختی‌هایی می‌کند. ناهماهنگی بین چارچوب دوستان با محیط آموزشی موجب تناقض درونی دانش‌آموز می‌شود و نهادینه شدن عادت پسندیده اخلاقی در دانش‌آموزان را دچار اختلال می‌کند (اکبری، ۱۳۸۸).

چالش هشتم؛ عدم هماهنگی بین مدرسه با خانواده و جامعه، آموزش اخلاق را دچار چالش و آسیب می‌کند. گاه در محیط آموزشی بر ارزش‌های اخلاقی تأکید زیادی می‌شود، ولی خانواده و محیط اجتماعی عاری از این باورهای اخلاقی است که این تعارض، دانش‌آموز را دچار دوگانگی می‌کند. گاه محیط آموزشی بر باورهای اخلاقی دانش‌آموزان اثر می‌گذارد، ولی چون محیط منزل و جامعه عاری از این باورهاست، تعارض درونی در زمینه اخلاق در دانش‌آموز به وجود می‌آید؛ البته والدین باید با مدرسه هماهنگ باشند، زیرا احترام به ارزش‌ها و باورهای اخلاقی برای سلامت جسم و بهداشت روان فرزندان ضروری است (باهنر، ۱۳۸۷).

چالش نهم؛ یکی از دوگانگی‌هایی که در محیط آموزشی وجود دارد این است که برای برخی مدارس و خانواده‌ها تراز علمی، قبولی در کنکور مدارس خاص و کنکور سراسری بیشتر از پرورش و آموزش اخلاق اهمیت دارد. این یافته، با یافته‌های فرهادی (۲۰۱۷) و عباسی (۲۰۱۹) همخوانی دارد. این محققان در پژوهش‌های خود دریافتند که دانش‌آموزان از همان دوره ابتدایی می‌آموزند که هدف از تحصیل، دکتر و مهندس شدن است؛ از این منظر، پرورش و تربیت و آموزش اخلاق در حاشیه قرار می‌گیرد.

منابع

اکبری، محمود (۱۳۸۸). «مذهب‌گرایی و مذهب‌گریزی». قم: فقیان.

امیدی، محمود و سیفاله فضل‌اللهی قمشه‌ای (۱۳۹۴). "پژوهشی در اصول و روش‌های تربیت اخلاقی کودکان از دیدگاه امام علی علیه السلام و ژان ژاک روسو". فصلنامه علمی ترویجی/اخلاق، (۱۹)، ۵، ۶۳.

باهنر، ناصر (۱۳۸۷). «آموزش مفاهیم دینی همگام با روانشناسی». تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.

برک، لورا (۱۳۹۰). «روانشناسی رشد». ترجمه یحیی سیدمحمدی. تهران: انتشارات ارسباران. پریدختان، زهرا. (۱۳۹۶). "تشویق و تنبیه در اسلام". کنفرانس بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی، ۳. حسنی، محمد (۱۳۹۵). "بررسی رویکرد تربیت اخلاقی در نظام تربیت رسمی و عمومی دوره ابتدایی". دو فصلنامه علمی-پژوهشی تربیت اسلامی، (۲۲)، ۱۱، ۲۸-۱.

خسروی، زهرا و خسرو باقری (۱۳۸۷). "راهنمای درونی کردن ارزش‌های اخلاقی از طریق برنامه درسی". مطالعات برنامه درسی، (۸)، ۳، ۸۱-۱۰۵.

خلج زاده، مجید رضا (۱۳۹۴). "نقش رشد اخلاقی در حل و فصل مشکلات اخلاق حرفه‌ای". نشریه آزمایشگاه و تشخیص، (۲۷)، ۷، ۳۹-۳۳.

سبزیان، سعیده و هوشنگ گراوند (۱۴۰۱). "مدل علی عمل کردن به باورهای دینی با رفتارهای مدنی-تحصیلی: نقش میانجیگری اخلاق تحصیلی". دو فصلنامه علمی علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، (۱۹)، ۱۰، ۴۹-۷۰.

شریفی زارچی، فاطمه و اعظم خلعتی (۱۳۹۶). "چالش‌های آموزش اخلاق به نوجوانان و راهکارهای برون‌رفت از آن". مطالعات اسلامی زنان و خانواده، (۷)، ۱۴، ۸۳-۱۰۶.

فرهادی، فاطمه و ذوقی، خلیل. (۱۳۹۷). "نقش مدارس در تربیت دینی و هویت ملی دانش آموزان". همایش ملی هویت کودکان ایران اسلامی در دوره پیش دبستانی، ۱.

قیومی بیدهندی، آریادخت و علاءالدین اعتماد اهری، (۱۳۹۸). "عوامل مؤثر در آموزش اخلاق در مدارس". نشریه اخلاق در علوم و فناوری، (۵)، ۱۴، ۱۵۱-۱۴۲.

وجدانی، فاطمه و محسن ایمانی و علیرضا صادق‌زاده قمصری (۱۳۹۲). "چگونگی تحول در نظام رایج تربیت اخلاقی مدارس، جهت کاهش شکاف میان معرفت و عمل بر مبنای دیدگاه علامه طباطبایی". پژوهشنامه مبانی تعلیم و تربیت، (۱)، ۴، ۱۳۰-۱۱۱.

Abasi, H (2019). *Eskandari H. Pathology Return effect of the type of evaluation on religious education*. National Conference on the Philosophy of Religious Education and Moral Education, 5, 135-152.

Arthur, G; Kristjánsson, K; Harrison, T; Sanderse, W and Wright, D. (2017). *Teaching Character and Virtue in Schools*. London and New York: Routledge

- Clement, S. and Bollinger, R. (2016). Perspectives on Character Virtue Development. *Research in Human Development*, 13, 174–181.
- Curren, R. (2016). Aristotelian versus Virtue Ethical Character Education. *Journal of Moral Education*, 45(13), 490-501.
- Ghaemi moghadam M(2005). *Educational Damaging Methods An Islamic Viewpoint*. Qom: Research Institute of Hawizeh and University.
- Hoseinchary, M and Falah zade, A(2018). *Pathology of Islamic education based on the view of Shahid Beheshti*. National Conference on Islam and Mental Health,1, 214-229. (persian)
- jánsson, K. (2016). *Aristotelian Character Education*. London: Routledge.
- Sandeep, K. (2015). Moral Values Education. *Journal of Humanities and Social Science*, 20 (3), 18-36.